

خبر

اعتراضات دانشجویی ترکیه

جدال بر سر واپسین سنگرهای نهادهای مدنی

● در اولین روز سال نو میلادی، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، با حکمی رئیس دانشگاه «بوغازچی» را تغییر داد. آخرین باری که ریاست این دانشگاه از سوی دولت منصوب شده بود، به پس از کودتای سال ۱۹۸۰ بازمی‌گشت. به گزارش بی‌بی‌سی، این حکم به‌ عرصه درگیری جدیدی بین مخالفان ترکیه و دولت اردوغان بدل شده است؛ از یک‌سو مخالفان، این اقدام را تلاش دولت برای دست‌اندازی و کنترل آخرین نهادهای مستقل باقی‌مانده در جامعه ترکیه دانستند و از سویی دیگر حامیان دولت این اعتراضات را اقداماتی «تروویستی» خواندند. این اعتراضات از دانشگاه فراتر رفته است و اکنون هم برای مخالفان و هم برای حکومت به‌نوعی خاطره اعتراضات «پارک گزی» را زنده می‌کند. دانشجویان و استادان این دانشگاه با هشتک «دانشگاه قیم نمی‌خواهد» به این تصمیم اردوغان که یکی از اعضای حزب عدالت و توسعه را –بی‌آنکه از اعضای هیئت علمی این دانشگاه باشد- برای سرپرستی این دانشگاه برگزیده است، اعتراض کردند. این هشتک در روز اول به تِرنه اول ترکیه بدل شد؛ اما از روز چهارم این اعتراضات به خیابان‌های اطراف دانشگاه کشیده شده و دانشجویان با شعارهایی مانند «دانشگاه مال ماست» و «دانشجویان داخل، رئیس انتصابی خارج» اعتراض خود را به این انتصاب نشان دادند. نیروهای امنیتی و پلیس هم درهای این دانشگاه را بسته و مانع از ورود دانشجویان به دانشگاه شدند. این موضوع باعث درگیری فیزیکی بین نیروهای امنیتی و دانشجویان شد و ده‌ها فضا را دیکاتر شد. بخشی از دانشجویان در مخالفت با پلیس شعارهایی نظیر «مرگ بر پلیس» و «پلیس قاتل» سر دادند. این شعارها و فضای رادیکال این تجمعات، گروه‌های طرفدار حزب عدالت و توسعه را بسیج کرد تا با متنب‌کردن معترضان به پ‌ک حزب دموکراتیک خلق‌ها این اعتراضات را حرکتی «تروویستی» بخوانند. در پی این تحولات نیروهای پلیس نیز با حمله به خانه‌های برخی از معترضان، آنها را دستگیر و در بیابن‌ای اعلام کردند که این افراد دانشجو نبوده‌اند؛ اما وکلای دستگیرشدگان اظهارت پلیس را دروغ محض خواندند. دیگر دادواوگو، نخست‌وزیر سابق ترکیه که فارغ‌التحصیل همین دانشگاه است، با تشنه شدن فضای فعلی به دستبزدن به دانشگاه گفت: «بیشتر ممنوعیت‌های دهه ۹۰ دوباره برقرار شده است». با وجود سرکوب‌ها و فشارهای زیادی که فضای دانشگاهی ترکیه در چند سال اخیر متحمل شده است، مخالفان هنوز در دانشگاه‌ها دست بالا را دارند؛ اما به نظر می‌رسد این جنگ فرهنگی در کوتاه‌مدت به نفع دولت خاتمه یابد، اما نگرانی‌های دولت ترکیه از بروز اعتراضات گسترده افزایش یافته است؛ به‌ویژه در شرایطی که این کشور با بحران‌های اقتصادی و سیاسی جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

سرانجام می‌توان با اطمینان گفت که «دونالد

ترامپ» فردا صبح و قبل از آغاز مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری «جو بایدن»، کاخ سفید را ترک خواهد کرد. ترامپ در روزهای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری همه کار کرد تا زیر بار پذیرش شکست نرود، اما درنهایت و پس از چهار سال کاخ سفید را با اکراه ترک می‌کند، تا اولین رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده در قرن بیست‌ویکم نام بگیرد که تنها یک دوره در قدرت حضور داشت.

به گزارش شورای روابط خارجی آمریکا، اما میراث دوره چهارساله ریاست‌جمهوری ترامپ، برای ایالات متحده و جهان بسیار پرهزینه بود. تاریخ، از یک‌سو دوره ریاست‌جمهوری او را دوره‌ای بسیار کلیدی و مهم در نظر خواهد گرفت؛ چراکه او در شرایطی سمت ریاست‌جمهوری را ترک می‌کند که در این چهار سال تغییرات گسترده‌ای در جهان رقم خورد و از سوی دیگر، نام ترامپ به‌عنوان یکی از بدترین (اگر نه بدترین) رؤسای‌جمهور ایالات‌متحده در تاریخ ثبت خواهد شد.

ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری‌اش برخی اقدامات مفید هم انجام داد. در داخل آمریکا، او با فشارهای خود باعث کاهش نرخ سرسام‌آور مالیات شرکت‌ها شد و همچنین توانست مقررات دست‌وپاگیری را تغییر دهد که در نهایت منجر به ثبت نرخ رشد اقتصادی بیشتر در آمریکا شد.

در سیاست خارجی نیز ترامپ توانست به شایستگی سیاستی قاطعانه و قدرتمند در قبال چین در پیش گیرد و حکومت پکن را در موقعیتی حساس‌تر و متعذرتر قرار دهد. درباره اوکراین نیز باید پذیرفت که ترامپ حق داشت تسلیحات دفاعی در اختیار این کشور قرار دهد. اوکراین هنوز هم تحت فشار روسیه قرار دارد و در صورت عدم حمایت واشنگتن، این فشارها از سوی مسکو تشدید می‌شد. مذاکره درباره یک پیمان تجاری جدید با مکزیک و کانادا و سپس ترغیب کنگره برای تصویب آن نیز دستاورد مهم دیگری برای ترامپ بود. با اینکه پیشرفت در توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی بسیار ناچیز بود و قسمت‌های مهم توافق جدید از متن توافق مشارکت کشورهای حوزه اقیانوس آرام گرفته شده بود که ترامپ آن را بی‌خرانه رد کرد، اما موفقیت ترامپ در تصویب این پیمان تجاری جدید را نمی‌توان نادیده گرفت. ایالات متحده همچنین با وجود عدم موفقیت در مسئله فلسطین، نقش مهمی در تسهیل عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و چند کشور عربی شامل امارات، بحرین، سودان و مراکش داشت. عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب موضوعی بود که دولت‌های قبلی آمریکا از جمله دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، عملی‌شدن آن را به سرنوشت مسئله فلسطین براساس راه‌حل دوکشوری مرتبط کرده بودند.

حمله به دموکراسی

اما این دستاوردها و هر دستاورد قابل اشاره دیگری، به‌شدت تحت‌الشعاع رفتارهای ترامپ پس



آمریکا؛ آشوب در داخل، بی‌اعتبار در جهان

میراث پرهزینه ترامپ

از شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری در سوم نوامبر قرار گرفت. ترامپ حداقل سه شکست درخور توجه در کارنامه خود ثبت کرده است و هرگونه قضاوت درباره دوران ریاست‌جمهوری‌اش، زیر سایه این ناکامی‌ها قرار می‌گیرد.

اولین شکست، آسیب‌هایی بود که او به دموکراسی آمریکا وارد کرد. حوادث ششم ژانویه ۲۰۲۱ و حمله گروهی از طرفداران افراطی ترامپ به کنگره و اشغال ساختمان کنگره در زمانی که نمایندگان و سناتورها قصد بررسی نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری و تأیید پیروزی بایدن را داشتند، یکپرده تلاش‌های ترامپ در زیرسؤال‌بردن دموکراسی

در آمریکا، نقض هنجارهای تعیین‌شده و مورد احترام، ترویج دروغ‌گویی و زیرسؤال‌بردن صلاحیت دادگاه‌ها و دیوان عالی ایالات‌متحده بود. نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری که با شکست ترامپ همراه بود، به‌خوبی نشان داد که اگر پائیندیی او به قانون اساسی و احترام به نهاده‌ها مورد آزمون جدی قرار گیرد، بدترین نتیجه ممکن برای یک رئیس‌جمهور آمریکا بود.

اما اینکه ایالات‌متحده اعتبار و احترام خود نزد دولت‌ها و مردم جهان را تا حدی از دست داد. دولت ترامپ برای جلوگیری از بروز چنین فاجعه‌ای، اقدامات زیادی می‌توانست انجام دهد. اگرچه دولت ترامپ نقش درخور توجهی در تسریع روند تولید واکسن داشت و از این نظر هم شایسته احترام است، اما این موفقیت هم تا حدودی به دلیل عدم اتخاذ ترتیبات لازم برای نقل‌وانتقال سریع واکسن به سراسر کشور زیر سؤال رفته است.

دولت ترامپ همچنین نتوانست به درخواست‌های فراوان برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی واکنشی مناسب نشان دهد و شخص ترامپ و اطرافیانش تا مدت‌ها حاضر به استفاده از ماسک نبودند. دولت او همچنین نتوانست این تضمین را به پرسنل پزشکی بدهد که تجهیزات محافظتی مورد نیاز به‌ هر میزان که لازم باشد، تولید خواهد شد. در مقایسه با سو‌مدیریت ترامپ در این بحران، می‌توان به واکنش‌های نسبتاً موفق تایوان، استرالیا، نیوزیلند، آلمان، ویتنام و چین اشاره کرد که نشان دادند با اقدامات مؤثر و مدیریت جدی و علمی، این امکان وجود دارد تا تاخام در رقم‌خوردن فاجعه‌ای شد که در آمریکا شاهد هستیم. ترامپ ظاهراً از این موضوع نگران بود که

دولت ترامپ همچنین نتوانست به درخواست‌های فراوان برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی واکنشی مناسب نشان دهد و شخص ترامپ و اطرافیانش تا مدت‌ها حاضر به استفاده از ماسک نبودند. دولت او همچنین نتوانست این تضمین را به پرسنل پزشکی بدهد که تجهیزات محافظتی مورد نیاز به‌ هر میزان که لازم باشد، تولید خواهد شد. در مقایسه با سو‌مدیریت ترامپ در این بحران، می‌توان به واکنش‌های نسبتاً موفق تایوان، استرالیا، نیوزیلند، آلمان، ویتنام و چین اشاره کرد که نشان دادند با اقدامات مؤثر و مدیریت جدی و علمی، این امکان وجود دارد تا تاخام در رقم‌خوردن فاجعه‌ای شد که در آمریکا شاهد هستیم. ترامپ ظاهراً از این موضوع نگران بود که

اولویت‌دادن به مقابله با همه‌گیری کرونا می‌تواند منجر به تضعیف اقتصاد آمریکا و ازبین‌رفتن شانس پیروزی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری شود. اما زمان نشان داد که بحران کرونا جدی‌تر از آن است که بتوان آن را نادیده گرفت و عملکرد نادرست در مقابله با این همه‌گیری، هم عملکرد مثبت اقتصادی ترامپ را زیر سؤال برد و هم منجر به شکست او در انتخابات شد.

سیاست خارجی

سومین شکست بزرگی که در میراث ترامپ ثبت خواهد شد، سیاست خارجی او بود که باعث تضعیف موقعیت ایالات متحده در جهان شد. تضعیف موقعیت آمریکا در جهان تا حدودی ناشی از ناکامی‌هایی است که به آنها اشاره کردیم؛ حمله به دموکراسی و عدم برخورد مؤثر با همه‌گیری کرونا.

علاوه بر آن، رویکرد ترامپ در سیاست خارجی نیز در ثبت این حوزه به‌عنوان یکی از نقاط تاریک دوران ریاست‌جمهوری او نقش داشت.

کره‌شمالی با وجود دیپلماسی شخصی ترامپ با «کیم جونگ اون»، رهبر جوان این کشور، به ذخایر هسته‌ای خود افزود و موشک‌های بیشتری ساخت و در آستانه ریاست‌جمهوری بایدن هم از بزرگ‌ترین موشک بالستیک خود پرده برداشت. در سوی دیگر جهان، ایران پس از خروج یک‌جانبه دولت ترامپ از پیمان هسته‌ای ۲۰۱۵ (برنامه جامع اقدام مشترک)، زمان مورد نیاز خود برای تولید سلاح هسته‌ای را کاهش داد.

در این چهار سال، دیکتاتوری «نیکلاس مادورو» در ونزوئلا ریشه‌دارتر شد و روسیه، سوریه و ایران هم پس از عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی و کاهش پشتیبانی واشنگتن از متحدان منطقه‌ای، نفوذ خود را در سراسر خاورمیانه افزایش دادند.

به‌طور گسترده‌تر، خروج ایالات متحده از توافق‌نامه‌ها و نهادهای بین‌المللی و همچنین انتقادهای همیشگی او از متحدان اروپایی و آسیایی آمریکا، گرم‌گرفتن با رهبران اقتدارگرا و بی‌توجهی به نقض حقوق بشر در این کشورها، به نشانه‌های برجسته سیاست خارجی ترامپ تبدیل شد و نتیجه چنین رویکردی، کاهش نفوذ آمریکا در صحنه جهانی بود.

ترامپ مجموعه‌ای از روابط، اتحادها و نهادهایی را به ارث برده است که با وجود نواقصی که داشت، ۷۵ سال زمینه‌ای را ایجاد کرده بود که در آن از درگیری و رویارویی قدرت‌های بزرگ اجتناب می‌شد، دموکراسی گسترش پیدا می‌کرد و ثروت و سطح زندگی افزایش می‌یافت.

اما ترامپ با پذیرش ترکیبی از ملی‌گرایی، یک‌جانبه‌گرایی و انزواطلبی در شعار «نخست آمریکا»، هر آنچه که می‌توانست انجام داد تا بسیاری از این نظم جهانی را به هم بزنند، بدون آنکه نظم و روال کارآمدتری جایگزین آن کنند. ترمیم زود هنگام و سریع این آسیب‌ها اگر غیرممکن نباشد، کاری بسیار دشوار خواهد بود.

ترامپ از روز چهارشنبه دیگر رئیس‌جمهوری آمریکا نیست، اما همچنان در حزب جمهوری‌خواه و در میان هواداران افراطی‌اش به‌شدت تأثیرگذار خواهد بود. قبل از آنکه ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شود، جهان ناسامانی‌ها و چالش‌های زیادی داشت و نفوذ جهانی ایالات متحده هم در حال کاهش بود. ترامپ در این چهار سال به‌طور چشمگیری به هر دو روند سرعت بخشید.

ارزبایی نهایی این است که او سکان هدایت قدرت اول جهان در بسیاری از حوزه‌ها از جمله نظامی، سیاسی و اقتصادی را در حالی به بایدن تحویل می‌دهد که وضعیت آمریکا و جهان در این چهار سال آشفته‌تر و نگران‌کننده‌تر شده و این میراث فراموش‌نشدنی ترامپ است.

رهبر مخالفان پوتین به محض بازگشت به مسکو دستگیر شد

الکسی ناوالی، از مخالفان اصلی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، پس از بازگشت به مسکو در فرودگاه بازداشت شد. به گزارش ایندپندنت، ناوالی و همسرش روز یکشنبه با هوایما از برلین عازم مسکو شدند. به گزارش خبرگزاری‌ها، پلیس اندکی پس از ورود به فرودگاه شرمتیووی مسکو، ناوالی را بازداشت کرد. او از هوادارانش خواسته بود در فرودگاه گرد بیایند، اما در آخرین لحظات پرواز، هوایما تغییر مسیر داد و به جای فرودگاه نئوکوو، در فرودگاه شرمتیوو به زمین نشست که کسی از هواداران او یا خبرنگاران انتظاری را نداشت.

کیرا یارمیش، سخنگوی ناوالی، گفت دولت روسیه از او می‌ترسد. او در تویییت با انتشار عکس صدها هوادار ناوالی در فرودگاه، نوشت: «تا این اواخر نمی‌شد باور کرد که [مقامات] این قدر ترسیده‌اند، ولی این‌عکس ترس آنها را تأیید می‌کند». ناوالی، این همسرش پس از ترک هوایما همراه مسافران دیگر با اتوبوس راهی رزمینال فرودگاه بودند. او گفت «خیلی خوشحال» است و افزود: «این بهترین روز در پنج ماه گذشته است». به گفته ناوالی، همه اتهامات علیه او ساختگی‌اند و عدالت جانب او را می‌گیرد. مأموران پلیس در محل بازرسی گذرنامه، گفته است او نماد مقاومت خواهد شد.

جهان

نگاه

صحنه نبرد در «منطقه خاکستری»

کیم سنگویتا . **گزارشگر روزنامه ایندپندنت**

● ژنرال سر گریم لمب، فرمانده ویژه نیروهای مسلح بریتانیا، می‌گوید: «یک قاعده کلی وجود دارد که می‌گوید اگر می‌خواهید قورباغه‌ای را بپزید، آن را مستقیماً داخل آب جوشان نیندازید چون بلافاصله بیرون خواهد جهید. آن را در آب سرد قرار دهید و به‌تدریج آب را جوش آورید تا هنگامی که قورباغه متوجه شد آب بیش از حد داغ است، توانایی بیرون جهیدن از او سلب شده باشد. ما مثل یک قورباغه در حال پختن هستیم.» قیاس ژنرال لمب، اشاره‌ای است به حمله به دموکراسی‌های غربی و ارزش‌ها و نهادهایی که تضعیف می‌شوند و جوامعی که با اسرار و دروغ‌های تبلیغاتی زهرآگین، به جان یکدیگر می‌افتند. این «منطقه خاکستری» است؛ صحنه نبرد بدون تسلیحات معمول، اما با اسلحه‌های بسیار خطرناک. تأثیرات مخرب آن را در جریان حمله هفته گذشته ارادل‌واویش به کنگره آمریکا دیدیم که تحت تأثیر نظریه‌های «کیو‌ان‌ا» و دیگر گروه‌های افراطگرا و نیز برخی افراد مرتبط با روسیه در فضای مجازی، قرار داشتند. آنها به نیابت از دونالد ترامپ که خود با سوءاستفاده‌های اطلاعاتی کرملین به کاخ سفید رسیده است، مبارزه می‌کردند. مارک سدیول، وزیر سابق کابینه و مشاور امنیت ملی بریتانیا خاطرنشان می‌کند: «ماهیت نگران‌کننده خاص «منطقه خاکستری» این است که تا انبوه حملات و انبوه اقدامات برای تضعیف اعتماد مردم به نهاده‌ها و نظام دموکراتیک غرب انجام نشود، لزوماً متوجه سیر وقایع نمی‌شود... متوجه این تضعیف نمی‌شود تا موقعی که (می‌فهمید) این اتفاق رخ داده است چراکه آن، (نتیجه) انباشته‌شدن اقدامات کوچک است...». جنگ عراق یادآور آن است که غرب هم می‌تواند به تبلیغات متوسل شود؛ گزارش‌های جعلی حاکی از ابلار سلاح‌های کشتار جمعی صدام حسین را به یاد داریم. تحقیر اشخاص، از جمله گزارش‌گرانی که صحت روایات رسمی را زیر سؤال می‌برند تنها به دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین و شی جینپینگ‌های این جهان محدود نمی‌شود. به یاد دارم چگونه در آستانه حمله به عراق، به دلیل اظهار تردید ما در مورد یک «سند نادرست» که به دروغ ادعا می‌کرد، عراق سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی دارد، «کارچاق‌کن»‌های نخست‌وزیری به من و همکارانم حمله کردند تا دولت تونی بلر بتواند جنگ با عراق را توجیه کند. در سطحی بسیار محدودتر، اخبار جعلی برای اعمال نفوذ در افکار عمومی آمریکا، برای نخستین جنگ خلیج‌فارس به کار گرفته شد؛ وقتی «در یک مصاحبه با یک شاهد عینی» گفته شد سربازان عراقی هنگام غارت بیمارستان‌ها، نوزادان نارس را از محفظه‌های ویژه تنفسی بیرون می‌اندازند یا اینکه صدام ارتش خود را در مرز این کشور با عرستان سعودی مستقر کرده است. شاید آنچه وضعیت کنونی را از گذشته متمایز کرده است، ساختار تنظیم‌شده و هدفمند اطلاعات جعلی باشد. مسکو درصدد دخالت در انتخابات و رفتارندوم‌های غرب برآمده است. گروه‌های اینترنتی مرتبط با روسیه و چین، در مورد ویروس کرونا تئوری‌های توطئه و نظریه‌های جعلی پخش می‌کردند. از نتایج آن می‌توان به ادغام افراط‌گرایی در جریان‌های افراطی راست و چپ اشاره کرد که ادعاهای نادرستی را ضد پوشیدن ماسک، ضد واکسن و ضد شبکه ۵ جی (5G)، طوطی‌وار تکرار می‌کنند. اما در کدام بخش «منطقه خاکستری» است که عناصر خطرناک خارجی جنبه فیزیکی به خود می‌گیرد؟ هینز با مارینا لیتوینکو که قتل ۱۴ سال پیش شوهر خود الکساندر در لندن را به خاطر می‌آورد، به «سال‌نژوبوری» سفر می‌کند. او به‌گونه‌ای تکان‌دهنده درباره ازدست‌دادن همسرش حرف می‌زند؛ قتلی که عاملان آن هرگز در مقابل عدالت قرار نگرفتند. این احساس در میان کسانی که وجود می‌آید که این بی‌عدالتی درمورد قربانیان حمله «نوویچوک» هم رخ داده است. نتیجه حمله سال‌نژوبوری او نشان داد که عملیات در «منطقه خاکستری» همواره بی‌نقص نیست و حتی می‌تواند توأم با بی‌لیاقتی باشد. این حمله، موفق نشد سیرکنی اسکرپیتال را به قتل برساند اما چند ماه بعد «داون استرگس»، یکی از ساکنان شهر را که هیچ‌گونه ارتباطی با روسیه نداشت، کشت. به‌دنبال این واقعه، تارنامای «بلینگ‌کت» و گزارشگران روس، به‌سرعت آتاتولی چیپکا و الکساندر میشکین، دو افسر اطلاعات ارتش روسیه (جی‌آر‌و) را که ظن آن می‌رفت عامل حمله سال‌نژوبوری باشند، شناسایی کردند. سپس این‌دو بر پرده تئوئیزم روسیه ظاهر شدند و ادعا کردند که به‌عنوان گردشگر برای دیدار از کلیسای جامع سال‌نژوبوری به این شهر سفر کرده بودند و در توجیه ژبایی‌س آن، بخش‌هایی از توضیحات «ویکی‌پدیا» را وام گرفتند؛ از خود می‌پرسید چه فرد هوشمندی در سلسله‌مراتب اداره اطلاعات کرملین به این ادوازه داده در این مصاحبه مقتضاحانه شرکت کنند؟ تا اینجا، یک مورد اطلاعات جعلی یک اقدام به قتل و یک طنز ناخواسته، همگی را با هم دانسته‌ایم اما تک‌جا می‌توان هم‌زمان «منطقه خاکستری» را گسترش داد؟ آیا دروغ‌هایی که دست‌اندرکاران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا گفتند از جمله «۳۵۰ میلیون پوند در هفته برای نظام درمان عمومی بریتانیا»، «جلوگیری از ورود ۸۰ میلیون ترک به کشور» و امثال آن که به پیروزی آنها کمک کرد، کافی است؟ برگزیت هرچه باشد، به خواست پوتین برای ایجاد شکاف در غرب کمک کرد و همان‌طور که اخیراً در گزارش مفصل اندیشکده «چتم هاوس» آمده است، برگزیت بریتانیا را با چالش‌های عظیم سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی روبه‌رو کرده و افق «رابطه خاص» میان این کشور و ایالات‌متحده تحت رهبری جو بایدن را تیره کرده است.